

بررسی اثر علی سبک‌های دلبستگی مردان بر فرسودگی زناشویی همسر با تاکید بر نقش میانجیگری طرحواره‌های ناسازگار اولیه

سلیمه دارمی^۱، محسن منصوبی فر^{۲*}، ناهید هواسی سومار^۳، شهره شکرزاده^۴، آرزو تاری مرادی^۵

چکیده

مقدمه: هدف پژوهش حاضر، بررسی اثر علی سبک‌های دلبستگی مردان بر فرسودگی زناشویی همسر با تاکید بر نقش میانجیگری طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زوج‌های مراجعه‌کننده به کلینیک‌های مشاوره شهر تهران بود.

روش پژوهش: روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه پژوهش شامل تمامی زوجین مراجعه‌کننده به کلینیک‌های روانشناسی و مشاوره منطقه شش و هفت شهر تهران در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۲ بودند. حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران برابر با ۱۸۶ زوج (۱۸۶ مرد و ۱۸۶ زن) نفر بود که به صورت هدفمند دردسترس از مرکز مشاوره رها، مرکز مشاوره مهر تابان، مرکز مشاوره اکنون، مرکز مشاوره روان‌نما انتخاب شده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس فرسودگی زناشویی پاییز، دلبستگی کولینز و رید و پرسشنامه طرح‌واره یانگ استفاده شد. از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری با روش ورود همزمان و الگویابی معادلات ساختاری استفاده شد و نتایج با نرم‌افزار SPSS_28 و Amos_26، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، اثر کل سبک دلبستگی دوسوگرا ($\beta = 0.160, P = 0.019$) و سبک دلبستگی اجتنابی مردان ($\beta = 0.196, P = 0.007$) بر فرسودگی زناشویی همسران آنان مثبت و اثر کل سبک دلبستگی ایمن مردان بر فرسودگی زناشویی همسرانشان ($\beta = -0.157, P = 0.041$) منفی و معنادار است. همچنین اثر طرحواره‌های ناسازگار اولیه مردان نیز بر فرسودگی زناشویی همسران ($\beta = 0.359, P = 0.001$) مثبت و معنادار بود. همچنین، اثر غیر مستقیم سبک دلبستگی دوسوگرا ($\beta = 0.096, P = 0.001$) و دلبستگی اجتنابی ($\beta = 0.196, P = 0.035$) مردان بر فرسودگی زناشویی همسران مثبت و اثر غیر مستقیم سبک دلبستگی ایمن آنان بر فرسودگی زناشویی همسرانشان ($\beta = -0.073, P = 0.028$) منفی و معنادار است.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان گفت، طرحواره‌های ناسازگار اولیه مردان اثر سبک‌های دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی آنان بر فرسودگی زناشویی همسرانشان را به صورت مثبت و اثر سبک دلبستگی ایمن بر فرسودگی زناشویی همسرانشان را به صورت منفی و معنادار میانجیگری می‌کند.

۱- دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران، daremisaleme@gmail.com

۲- (نویسنده مسئول): استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران، پست الکترونیکی: mohsen.masoobifar@kiaau.ac.ir؛ تلفن تماس: ۰۹۱۲۶۱۷۷۷۶۱

۳- استادیار گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۴- استادیار گروه روانشناسی، واحد علوم تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۵- استادیار گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

کلیدواژه‌ها: ازدواج، طلاق عاطفی، فرسودگی زناشویی، سبک‌های دلبستگی، طرحواره، طرحواره‌های ناسازگار، فرسودگی زناشویی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۲۴ **تاریخ پذیرش نهایی:** ۱۴۰۳/۸/۶

استناد: دارمی سلیمه، منصوبی فر محسن، هواسی سומר ناهید، شکرزاده شهره، تازی مرادی آرزو. بررسی اثر علی سبک‌های دلبستگی مردان بر فرسودگی زناشویی همسر با تاکید بر نقش میانجیگری طرحواره‌های ناسازگار اولیه، خانواده و بهداشت، ۱۴۰۴؛ ۱۵(۹): ۱۳۷-۱۲۲

مقدمه:

خانواده اساسی‌ترین جزء جامعه و واحد اولیه در تعاملات انسانی است که امکان تکرار نسل‌ها و پیوند فرد را به جامعه بزرگتر فراهم می‌کند (۱). بنابراین دستیابی به جامعه سالم، درگرو سلامت خانواده و تحقق خانواده سالم مشروط به برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن رابطه‌ای مطلوب با یکدیگر است (۲)؛ اما عوامل متعددی ممکن است این رابطه را دچار تعارض و به دنبال آن رابطه زوجین را تهدید کند، ازجمله عوامل تهدیدکننده زندگی زناشویی می‌توان به فرسودگی زناشویی اشاره کرد (۳).

در واقع، زمانی که زوجها در برقراری ارتباط با یکدیگر شکست می‌خورند؛ در این صورت صمیمیت و تعهد متقابل گسسته و فرسودگی زناشویی ایجاد می‌شود (۴) و مجموعه‌ای از توقعات غیرمنطقی و غیرواقع بینانه، گذار از هیجان‌ها، بی‌دقت و بی‌توجه بودن زوجها نسبت به هم و نیازهای یکدیگر، بیان نکردن احساسات و نیازها به یکدیگر و فراز و نشیب‌های زندگی باعث بروز فرسودگی زناشویی می‌شود (۵).

کایزر (۶) فرسودگی زناشویی را فقدان دلبستگی عاطفی تعریف می‌کند که دارای سه مرحله است: سرخوردگی و ناامیدی؛ این مرحله سرخوردگی از روابط را شامل می‌شود که فرد فرسوده نسبت به همسرش در سکوت کامل نشخوار فکری می‌کند، حس مابین ناامیدی، فرسودگی، خشم و تنفر؛ این مرحله با حس تنفر همراه است و چشم‌پوشی از خطاهای همسر به سختی ممکن می‌شود، دلسردی و بی‌تفاوتی؛ فاصله‌گیری عاطفی و جسمی مشخصه آخرین مرحله از فرآیند فرسودگی زناشویی است (۷).

در واقع، فرسودگی زناشویی، یک حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است و هنگامی بروز می‌کند که علیرغم تمام تلاش‌های زوج، رابطه‌شان به زندگی‌شان معنا ن داده و نخواهد داد، این پدیده امری تدریجی است و به ندرت ناگهانی اتفاق می‌افتد. در حقیقت، عشق و صمیمیت به تدریج تحلیل می‌رود و همراه با آن فرسودگی کلی به وجود می‌آید (۸). همان‌طور که بیان شد فرسودگی زناشویی کاهش تدریجی دلبستگی عاطفی است (۹)، بنابراین یکی از عواملی که احتمال دارد در دلبستگی زوجین نقش داشته باشد، سبک‌های دلبستگی است (۱۰)، سبک‌های دلبستگی را به عنوان یکی از عوامل شخصی که بر همسازی و ناهمسازی زناشویی تأثیر می‌گذارد برشمردند. دلبستگی پیوند هیجانی پایدار بین دو فرد است، به طوری که یکی از طرفین می‌کوشد مجاورت به انگاره دلبستگی را حفظ کرده و به گونه‌ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه دارد. رفتار دلبستگی هنگامی که شخص احساس‌هایی نظیر ترس، غمگینی و بیماری دارد، فعال می‌شود و فرد را به جستجو یا نزدیک ماندن به شخص آشنا، وادار می‌سازد (۱۱).

در نظریه دلبستگی بر این نکته تأکید شده که روابط اولیه دوران کودکی، سبک‌های دلبستگی را شکل می‌دهند و بر دیدگاه فرد در مورد خود، دیگران و روش سازماندهی روابط بین فردی، تأثیر می‌گذارند (۱۲). در واقع تجارب دلبستگی ناایمن در دوره کودکی نقش تعیین‌کننده در آسیب‌های دوره بزرگسالی دارد (۱۳). سه اجتنابی، سبک دلبستگی ایمن و دوسو گرا در کودکی توصیف شده است که در بزرگسالی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. افراد دارای سبک دلبستگی ایمن در برقراری روابط صمیمی راحت هستند، به دریافت حمایت از سوی دیگران تمایل نشان می‌دهند، تصویری مثبت از خود دارند و از دیگران توقعات و انتظارات مثبت دارند. افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی خود را از لحاظ هیجانی سرد و دارای سوءظن تلقی می‌شوند. آنها اعتماد و اتکا به دیگران را برای خود مشکل

می‌یابند و هنگامی که دیگران خیلی با آنها صمیمی شوند احساس نگرانی می‌کنند. افراد دارای سبک دلبستگی دوسوگرا خود را به عنوان افرادی که به درستی از جانب دیگران درک نشده و دارای کمبود اعتماد به نفس هستند، در نظر می‌گیرند و از این امر که دیگران آنها را ترک کرده یا به طور واقعی دوست نداشته باشند، احساس نگرانی می‌کنند (۱۴).

مطالعات مبتنی بر آسیب‌شناسی تحولی نیز رابطه‌ی بین تجارب منفی اولیه‌ی تحصیلی و خانوادگی و مشکلات افراد بزرگسال در انجام تکالیف تحولی و مشکلات روان‌شناختی و شبکه‌های معیوب زناشویی را مورد تأکید قرار می‌دهند (۱۵). در پژوهش خود نشان دادند، افراد با سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) در روابط بزرگسالی خود سطح پایینی از رضایت، تعهد و اطمینان را نشان می‌دهند.

تصور می‌شود که مدل‌های کاری درونی نامطلوب به تدریج الگوهای هیجانی و شناختی خودآسیب‌رسان را تشکیل دهند که از آنها به‌عنوان «طرحواره‌های ناسازگار اولیه» یاد می‌شود (۱۶). طرحواره‌های ناسازگار اولیه به سبب عدم ارضاء نیازهای هیجانی و عاطفی اساسی دوران کودکی مانند دلبستگی ایمن، خودگردانی، آزادی در ابراز نیازها و هیجانات سالم، خودانگیختگی و محدودیت‌های واقع‌بینانه بوجود می‌آیند. همچنین طرحواره‌ها در عمیق‌ترین لایه‌های سطح شناخت، معمولاً خارج از سطح آگاهی عمل می‌کنند و شخص را به‌لحاظ روان‌شناختی نسبت به ایجاد آشفتگی‌ها و مشکلات روان‌شناختی نظیر روابط زناشویی ناکارآمد آسیب‌پذیر می‌سازد (۱۷).

بررسی پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که درخصوص رابطه میان هریک از متغیرهای این پژوهش با یکدیگر، مطالعات معدودی انجام شده است که یافته‌های آنها نیز ناهمسو می‌باشد برای مثال سرخابی، عبدالملکی و همکاران (۱۸) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که سبک دلبستگی ایمن با فرسودگی زناشویی رابطه مثبت معنادار و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی - دوسوگرا با فرسودگی زناشویی ارتباط منفی معنادار دارند؛ درحالی‌که کریمی، کرمی و دهقان (۱۹) گزارش کردند که سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی اجتنابی قادر به پیش‌بینی فرسودگی زناشویی نیستند. همچنین درخصوص ارتباط سبک‌های دلبستگی با طرحواره‌های ناسازگار اولیه نیز یافته‌های مطالعات انجام شده ناسازگار است. برای مثال نتایج مطالعه گراوند (۲۰) حاکی از آن است که سبک دلبستگی ایمن با طرحواره‌های ناسازگار اولیه رابطه منفی معنادار و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی - دوسوگرا با طرحواره‌های ناسازگار اولیه رابطه مثبت معنادار دارند درحالی‌که ابراهیمی، مکوند حسینی و طباطبایی (۲۱) به این یافته رسیدند که همبستگی منفی میان سبک دلبستگی اجتنابی با طرحواره‌های ناسازگار اولیه وجود دارد.

برخی شواهد پژوهشی دیگر نیز نشان می‌دهند که طرحواره‌های ناسازگار اولیه ممکن است بتوانند ارتباط سبک‌های دلبستگی با فرسودگی زناشویی را میانجی کنند. برای مثال رحیمیان، قمری، باباخانی و جعفری (۲۲) در مطالعه خود به این نتیجه دست یافتند که طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه با سبک‌های دلبستگی و تعارض‌های زناشویی در بین زوجین در معرض طلاق نقش میانجی دارند. همچنین در پژوهشی دیگر، نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه سبک‌های دلبستگی و صمیمیت زناشویی تأیید و بدین صورت گزارش شده که مسیرهای غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی ناایمن نیز از طریق طرحواره‌های ناسازگار اولیه با صمیمیت زناشویی معنادار است (۲۳).

علاوه بر این ارزیابی پژوهشی نیز نشان می‌دهد که به بررسی نقش میانجی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در ارتباط میان سبک‌های دلبستگی با فرسودگی زناشویی پرداخته نشده است. همچنین، در اغلب مطالعات نسبتاً مشابه، تنها یکی از جنسیت‌ها (غالباً زنان متاهل) مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، درحالی‌که در مطالعه حاضر، زوجین مراجعه‌کننده به کلینیک‌های مشاوره شهر تهران سنجیده

شده‌اند. بنابراین هدف از پژوهش حاضر، بررسی اثر علی سبک‌های دلبستگی مردان بر فرسودگی زناشویی همسر با تاکید بر نقش میانجیگری طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زوج‌های مراجعه‌کننده به کلینیک‌های مشاوره شهر تهران بود.

روش پژوهش:

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه زوج‌های مراجعه‌کننده به کلینیک‌های روانشناسی و مشاوره منطقه ۶ و ۷ شهر تهران بودند که از میان آنها ۱۲۰ زوج به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ملاکهای ورود به پژوهش عبارت‌اند از: زوجین مراجعه‌کننده به کلینیک‌های شهر تهران و علاقه و رضایت برای شرکت در پژوهش و عدم شرکت در جلسات روان درمانی و ملاکهای خروج از پژوهش نیز انصراف از ادامه همکاری در پژوهش و پرسش‌نامه‌های مخدوش بود. همچنین در این پژوهش برای در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی در این پژوهش به هر شرکت‌کننده یک کد اختصاص داده شد و شرکت‌کنندگان می‌توانستند از نام مستعار برای شرکت در پژوهش استفاده کنند و اطلاعات خصوصی افراد شرکت‌کننده در پژوهش که در راستای هدف پژوهش نبود از شرکت‌کنندگان دریافت نشد. همچنین پس از توزیع لازم به ذکر است که کلیه ملاحظات اخلاقی پژوهش رعایت گردید، از جمله این که به زوجین شرکت‌کننده در پژوهش اطمینان خاطر داده شد کلیه اطلاعات پژوهش به صورت محرمانه نزد پژوهشگر باقی می‌ماند و از این اطلاعات صرفاً جهت ارزیابی پژوهشی استفاده می‌شود. داده‌های حاصل از پژوهش با استفاده از SPSS ویراست ۲۶ و روش آماری تحلیل تحلیل رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار پژوهش عبارت بود از پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۱ (YSQ-SF): برای اندازه‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه از پرسشنامه ۷۵ سوالی یانگ (۲۰۰۵) با مقیاس پاسخگویی ۶ درجه‌ای لیکرت (کاملاً نادرست = ۱ تا کاملاً درست = ۶) و ۱۵ خرده مقیاس شامل محرومیت هیجانی، طرد/رهر شدگی، بی اعتمادی/بد رفتاری، انزوای اجتماعی، نقص/شرم، شکست، وابستگی/بی کفایتی، آسیب پذیری به ضرر، گرفتاری/در دام افتادی، اطلاعات، از خودگذشتگی، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه، استحقاق، خویشتن داری و خود انضباط ناکافی استفاده شد. آلفای کرونباخ کل برای آزمون حاضر در پژوهش بچ^۲ و همکاران (۲۴) ۰/۹۶ و برای خرده مقیاس‌ها بالاتر از ۰/۸۰ گزارش شد. در پژوهش غیائی (۲۵) روایی همزمان پرسشنامه با مقیاس نگرش‌های ناکارآمد ۰/۶۵ گزارش شد. در پژوهش غیائی (۲۵)، آلفای کرونباخ آن در خرده مقیاس‌ها بین ۰/۶۰ تا ۰/۹۰ و آلفای کرونباخ کل آن ۰/۹۴ گزارش شد. همچنین آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر برای کل پرسشنامه ۰/۸۶ و برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۷۸ تا ۰/۸۲ بدست آمد.

پرسشنامه دلبستگی (RAAS^۳): پرسشنامه دلبستگی کولینز و رید^۴ (۱۹۹۰) مشتمل بر ۱۸ گویه است که از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای (از نوع لیکرت) از به هیچ وجه با خصوصیات من تطابق ندارد^۱، تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد^۵ سنجیده می‌شود. دارای ۳ زیر مقیاس به نام‌های: وابستگی (D)، نزدیک بودن (C) و اضطراب (A) است (۲۶) زیر مقیاس اضطراب (A) با دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن (C) یک بعد دوقطبی است که اساس توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد؛ بنابراین، نزدیک بودن در تطابق با دلبستگی ایمن است و زیر مقیاس وابستگی (D) را می‌توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرارداد. کولینز و رید (۲۶) نشان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی در طول ۸ ماه پایدار ماندند؛ روایی پرسشنامه از طریق روایی محتوایی

^۱ Young Schema Questionnaire-Short Form (YSQ-SF)

^۲ Bach

^۳ Revised Adult Attachment Scale

^۴ Collins, Reid

۰/۸۵ و در مورد قابلیت اعتماد مقیاس دلبستگی بزرگسال، کولینز و رید میزان آلفای کرونباخ را برای زیر مقیاس دلبستگی ایمن ۰/۸۲، برای دلبستگی اجتنابی ۰/۸۰ و برای دلبستگی اضطرابی ۰/۸۳ گزارش دادند. از سوی دیگر، در پژوهش پاکدامن (۲۷) میزان اعتبار آزمون با استفاده از باز آزمایی مناسب ارزیابی شد. با توجه به این که مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است آزمون از اعتبار بالایی برخوردار است. روایی سازه با استفاده از روایی واگرا سنجیده شد. نتایج نشان داد ضریب همبستگی بین زیر مقیاس‌های A و C، A و D در سطح معناداری ۰/۰۰۱ به ترتیب ۰/۳۱۳ و ۰/۳۳۶- است و ضریب همبستگی بین زیر مقیاس‌های C و D در سطح معناداری ۰/۱۴ مقدار ۰/۲۴۶ به دست آمد.

فرسودگی زناشویی پاییز: برای بررسی میزان فرسودگی زناشویی، از افراد مختلف خواسته می‌شود تا به یک پرسشنامه ۲۱ موردی پاسخ دهند که شامل سه جزء اصلی خستگی جسمی (مثلا احساس خستگی، سستی، و داشتن اختلالات خواب)، ازپافتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی، در دام افتادن)، و ازپافتادن روانی (مثل احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و خشم به همسر) می‌باشد. تمام این موارد روی یک مقیاس هفت امتیازی پاسخ داده می‌شوند. پاسخ دهندگان باید تعیین کنند که هریک از این موارد را چند مرتبه در رابطه زناشویی‌شان تجربه کرده‌اند (از ۱ = هرگز، ۴ = گاهی تا ۷ = همیشه). درجه فرسودگی با تعیین میانگین پاسخ‌های مطرح شده، محاسبه می‌شود. نمره‌گذاری ۴ ماده نیز به صورت معکوس انجام می‌شود و نمره بالاتر آزمودنی در این مقیاس نشانه فرسودگی بیشتر می‌باشد. درجه ۴ نمایانگر حالت فرسودگی است. با درجه ۳ خطر فرسودگی وجود دارد. درجه ۵ نشان‌دهنده وجود بحران است. درجه بیش از پنج، لزوم کمک فوری را بیان می‌کند. درجه ۲ یا کم‌تر نشان‌دهنده وجود رابطه خوب است (۲۸). روایی سازه این پرسشنامه در پژوهش پاییز و نونس مطلوب و ضرایب پایایی آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌ها ۰/۸۴ تا ۰/۹۰ گزارش شد پاییز و نونس^۱ (۲۸). در بررسی ویژگی‌های روان سنجی این پرسشنامه، رخشانی، شهابی زاده و علیزاده (۲۹) ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۸۱ و پایایی از طریق آلفای کرونباخ را ۰/۷۷ بدست آوردند.

یافته‌ها:

در پژوهش حاضر ۱۸۶ زوج شرکت کردند. میانگین و انحراف استاندارد سن مردان به ترتیب ۳۷/۲۹ و ۶/۴۲ سال و زنان به ترتیب ۳۳/۹۵ و ۵/۷۰ بود. میزان تحصیلات ۱۳ نفر (۷ درصد) از مردان زیر دیپلم، ۵۸ نفر (۳۱/۲ درصد) دیپلم، ۱۲ نفر (۸۵۶ درصد) فوق دیپلم، ۵۴ نفر (۲۹ درصد) لیسانس، ۳۲ نفر (۱۷/۲ درصد) فوق لیسانس و ۱۷ نفر (۹/۱ درصد) دکتری بود. همچنین میزان تحصیلات ۱۸ نفر (۹/۷ درصد) از زنان شرکت کننده در پژوهش زیر دیپلم، ۵۲ نفر (۲۸ درصد) دیپلم، ۹ نفر (۴/۸ درصد) فوق دیپلم، ۵۹ نفر (۳۱/۷ درصد) لیسانس، ۳۷ نفر (۱۹/۹ درصد) فوق لیسانس و ۱۱ نفر (۵/۹ درصد) دکتری بود. گفتنی است که میانگین مدت ازدواج در بین زوج ها به ترتیب ۱۰/۲۱ و ۶/۲۷ بود و ۹۱ زوج (۴۸/۹ درصد) فاقد فرزند، ۵۵ زوج (۲۹/۶ درصد) یک فرزند، ۲۹ زوج (۱۵/۶ درصد) دو فرزند و ۱۱ زوج (۵/۹ درصد) بیشتر از دو فرزند داشتند. جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه مردان و فرسودگی زناشویی همسران آنان را نشان می‌دهد.

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرهای تحقیق	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱. دلبستگی- ایمن	-										
۲. دلبستگی- اجتنابی	-۰/۱۸*	-									

^۱ Pines, Nunes

۳. دلبستگی - دوسوگرا	-۰/۱۱	۰/۳۰**	-
۴. طرحواره - بریدگی / طرد	-۰/۱۷*	۰/۳۰**	۰/۲۷**
۵. طرحواره - خودگردانی و عملکرد مختل	-۰/۱۶*	۰/۲۱**	۰/۲۵**
۶. طرحواره - دیگر جهت مندی	-۰/۲۵**	۰/۲۵**	۰/۳۳**
۷. طرحواره - گوش به زنگی	-۰/۲۳**	۰/۲۵**	۰/۲۸**
۸. طرحواره - محدودیت‌های مختل	-۰/۲۸**	۰/۲۱**	۰/۲۶**
۹. فرسودگی زناشویی - خستگی جسمی	-۰/۱۲	۰/۰۳	۰/۲۱*
۱۰. فرسودگی زناشویی - از پا افتادن عاطفی	-۰/۱۴	۰/۲۱**	۰/۰۸
۱۱. فرسودگی زناشویی - از پا افتادن روانی	-۰/۱۳	۰/۱۹**	۰/۱۷*
میانگین	۲۹/۱۱	۳۰/۵۶	۲۸/۲۹
انحراف استاندارد	۶/۲۵	۷/۹۶	۵/۹۹
*P < ۰/۰۵ **P < ۰/۰۱			

جدول ۱ نشان می‌دهد که جهت همبستگی بین متغیرها منطبق بر انتظار و همسو با تئوری‌های حوزه پژوهش بود. در ادامه جدول ۲ مقادیر چولگی و کشیدگی متغیرها و مقادیر عامل تورم واریانس^۱ (VIF) و ضریب تحمل^۲ متغیرهای پیش بین را نشان می‌دهد.

جدول ۲: مفروضه‌های نرمال بودن توزیع داده‌ها و همخطی بودن

متغیر	نرمال بودن توزیع		همخطی بودن	
	چولگی	کشیدگی	ضریب تحمل	تورم واریانس
دلبستگی - ایمن	-۰/۶۸	۰/۷۶	۰/۹۱	۱/۰۹
دلبستگی - اجتنابی	-۰/۴۷	۰/۹۰	۰/۸۵	۱/۱۸
دلبستگی - دوسوگرا	-۰/۵۴	۱/۰۳	۰/۸۳	۱/۲۰
طرحواره - بریدگی / طرد	-۰/۵۰	-۰/۶۳	۰/۵۳	۱/۹۰
طرحواره - خودگردانی و عملکرد مختل	-۰/۶۸	-۰/۵۵	۰/۶۰	۱/۶۸
طرحواره - دیگر جهت مندی	-۰/۳۹	-۰/۶۰	۰/۴۷	۲/۱۴
طرحواره - گوش به زنگی	۰/۱۷	-۰/۸۲	۰/۳۱	۳/۲۰
طرحواره - محدودیت‌های مختل	۰/۱۲	-۰/۲۳	۰/۵۳	۱/۸۷
فرسودگی زناشویی - خستگی جسمی	-۰/۴۳	-۰/۵۳		
فرسودگی زناشویی - از پا افتادن عاطفی	-۰/۵۹	-۱/۰۲		
فرسودگی زناشویی - از پا افتادن روانی	-۰/۳۶	-۰/۷۵		

جدول ۲ نشان می‌دهد که مقادیر کشیدگی و چولگی همه متغیرها در محدوده ± ۲ قرار دارد. این یافته بیانگر آن است که مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های تک متغیری در بین داده‌ها برقرار است. همچنین با توجه به این که مقادیر ضریب تحمل متغیرهای پیش بین بزرگتر از ۰/۱ و مقادیر عامل تورم واریانس هر یک از آنها کوچکتر از ۱۰ بود، بنابراین می‌توان گفت مفروضه همخطی بودن نیز در

^۱ variance inflation factor

^۲ tolerance

بین داده‌های پژوهش برقرار بود. در این پژوهش به منظور ارزیابی برقراری یا عدم برقراری مفروضه نرمال بودن توزیع چند متغیری، از تحلیل اطلاعات مربوط به «فاصله مهلبوبایس»^۱ استفاده شد. مقادیر چولگی و کشیدگی اطلاعات مربوط به فاصله مهلبوبایس به ترتیب برابر با ۱/۰۳ و ۰/۷۲ به دست آمد که نشان می‌دهد مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های چند متغیری در بین داده‌ها برقرار است. همچنان که پیشتر اشاره شده داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از روش مدل یابی معادلات ساختاری تحلیل شد. دو متغیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه و فرسودگی زناشویی مکنون بوده و مدل اندازه‌گیری پژوهش را تشکیل دادند. چگونگی برازش مدل اندازه‌گیری با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی، نرم افزار AMOS 26.0 و برآورد بیشینه احتمال^۲ (ML) ارزیابی شد. جدول ۳ شاخص‌های برازندگی مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۳: شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری

شاخص‌های برازندگی	مدل اندازه‌گیری	مدل ساختاری	نقطه برش
مجذور کای ^۳	۴۰/۲۹	۷۷/۱۴	-
درجه آزادی مدل	۱۹	۳۷	-
جدول ۳ نشان می‌دهد که	۲/۱۲	۲/۰۹	کمتر از ۳
χ ^۲ /df ^۴	۰/۹۳۰	۰/۹۳۲	> ۰/۹۰
حاصل از تحلیل عاملی	۰/۸۶۷	۰/۸۷۹	> ۰/۸۵۰
GFI ^۵	۰/۹۵۴	۰/۹۶۲	> ۰/۹۰
قبول مدل اندازه‌گیری با	۰/۰۷۸	۰/۰۷۷	< ۰/۰۸
AGFI ^۶			
CFI ^۷			
حمایت می‌کنند. در مدل			
عاملی متعلق به نشانگر از			
RMSEA ^۸			
(β=۰/۹۶۰) و کوچکترین			

خودگردانی و عملکرد مختل (β=۰/۶۵۲) بود. بدین ترتیب با توجه به این که بارهای عاملی همه نشانگرها بزرگتر از ۰/۳۲ بود، بنابراین می‌توان گفت همه آنها از توان لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون پژوهش حاضر برخوردار بودند.

به دنبال ارزیابی چگونگی برازش مدل اندازه‌گیری، در مرحله دوم شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری برآورد و ارزیابی شد. در مدل ساختاری چنین فرض شده بود که سبک‌های دلبستگی مردان هم به صورت مستقیم و هم با میانجیگری طرحواره‌های ناسازگار اولیه آنان بر فرسودگی زناشویی همسرانشان اثر دارد. جدول ۳ نشان می‌دهد که شاخص‌های برازندگی حاصل از تحلیل از برازش قابل قبول مدل ساختاری با داده‌های گرآوری شده (χ^۲/df=۲/۰۹، CFI=۰/۹۶۲، GFI=۰/۹۳۲، AGFI=۰/۸۷۹ و RMSEA=۰/۰۷۷) حمایت می‌کنند. جدول ۴ ضرایب مسیر در مدل ساختاری را نشان می‌دهد.

^۱ Mahalanobis distance (D)

^۲ Maximum Likelihood

^۳ Chi-Square

^۴ normed chi-square

^۵ Goodness Fit Index

^۶ Adjusted Goodness Fit Index

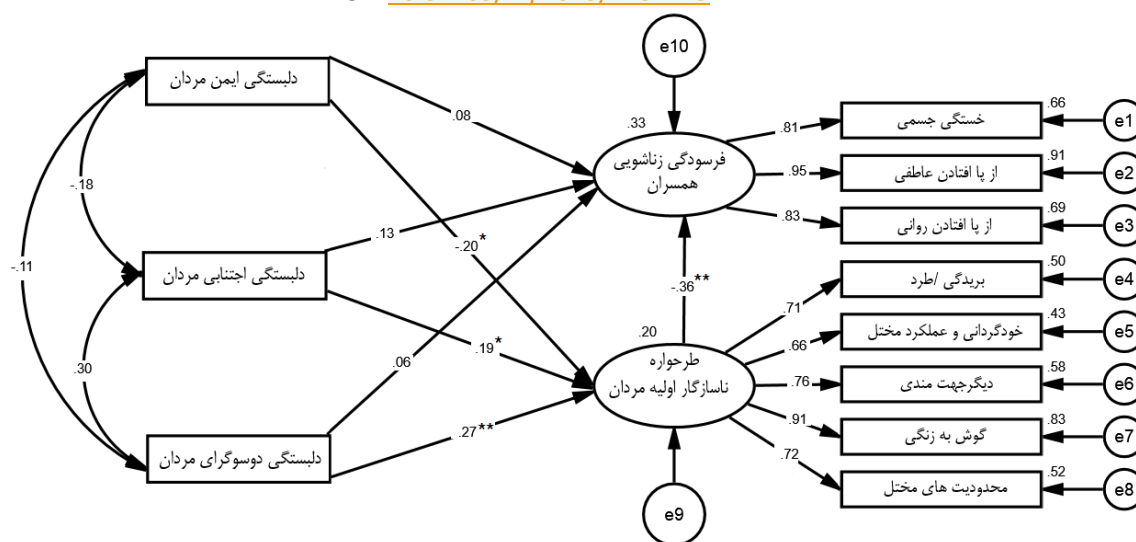
^۷ Comparative Fit Index

^۸ Root Mean Square Error of Approximation

جدول ۴: ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیر مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری

اثر	مسیر	b	S.E	β	p
دلبستگی	دلبستگی دوسوگرایی $\leftarrow$ طرحواره‌های ناسازگار	۱/۳۸۲	۰/۴۲۷	۰/۲۶۷	۰/۰۰۱
	دلبستگی اجتنابی $\leftarrow$ طرحواره‌های ناسازگار	۰/۸۵۶	۰/۴۱۲	۰/۱۹۱	۰/۰۳۸
	دلبستگی ایمن $\leftarrow$ طرحواره‌های ناسازگار	-۰/۹۹۶	۰/۴۳۲	-۰/۲۰۲	۰/۰۲۲
	طرحواره‌های ناسازگار $\leftarrow$ فرسودگی زناشویی	۰/۱۰۳	۰/۰۳۰	۰/۳۵۹	۰/۰۰۱
	دلبستگی دوسوگرایی $\leftarrow$ فرسودگی زناشویی	۰/۰۹۵	۰/۱۳۷	۰/۰۶۴	۰/۴۸۶
	دلبستگی اجتنابی $\leftarrow$ فرسودگی زناشویی	۰/۱۶۲	۰/۱۱۱	۰/۱۲۷	۰/۱۵۳
دلبستگی	دلبستگی ایمن $\leftarrow$ فرسودگی زناشویی	-۰/۱۱۹	۰/۱۱۰	-۰/۰۸۴	۰/۳۱۸
	دلبستگی دوسوگرایی $\leftarrow$ فرسودگی زناشویی	۰/۱۴۲	۰/۰۵۷	۰/۰۹۶	۰/۰۰۱
	دلبستگی اجتنابی $\leftarrow$ فرسودگی زناشویی	۰/۰۸۸	۰/۰۳۷	۰/۰۶۹	۰/۰۳۵
	دلبستگی ایمن $\leftarrow$ فرسودگی زناشویی	-۰/۱۰۲	۰/۰۴۸	-۰/۰۷۳	۰/۰۲۸
دلبستگی	دلبستگی دوسوگرایی $\leftarrow$ فرسودگی زناشویی	۰/۲۳۷	۰/۱۰۳	۰/۱۶۰	۰/۰۱۹
	دلبستگی اجتنابی $\leftarrow$ فرسودگی زناشویی	۰/۲۵۰	۰/۰۹۱	۰/۱۹۶	۰/۰۰۷
	دلبستگی ایمن $\leftarrow$ فرسودگی زناشویی	-۰/۲۲۱	۰/۱۰۶	-۰/۱۵۷	۰/۰۴۱

جدول ۴ نشان می‌دهد که اثر کل سبک دلبستگی دوسوگرا ($\beta=۰/۱۶۰$ ، $P=۰/۰۱۹$) و سبک دلبستگی اجتنابی مردان ($P=۰/۰۰۷$) بر فرسودگی زناشویی همسران آنان مثبت و اثر کل سبک دلبستگی ایمن مردان بر فرسودگی زناشویی همسرانشان ($\beta=-۰/۱۵۷$ ، $P=۰/۰۴۱$) منفی و معنادار است. همچنین اثر طرحواره‌های ناسازگار اولیه مردان نیز بر فرسودگی زناشویی همسران ($\beta=۰/۳۵۹$ ، $P=۰/۰۰۱$) مثبت و معنادار بود. نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که اثر غیر مستقیم سبک دلبستگی دوسوگرا ($\beta=۰/۰۹۶$ ، $P=۰/۰۰۱$) و دلبستگی اجتنابی ($\beta=۰/۱۹۶$ ، $P=۰/۰۳۵$) مردان بر فرسودگی زناشویی همسران مثبت و اثر غیر مستقیم سبک دلبستگی ایمن آنان بر فرسودگی زناشویی همسرانشان ($\beta=-۰/۰۷۳$ ، $P=۰/۰۲۸$) منفی و معنادار است. براین اساس نتایج پژوهش حاضر نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه مردان اثر سبک‌های دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی آنان بر فرسودگی زناشویی همسرانشان را به صورت مثبت و اثر سبک دلبستگی ایمن بر فرسودگی زناشویی همسر را به صورت منفی و معنادار میانجیگری می‌کند. شکل ۱ مدل ساختاری پژوهش در تبیین اثر سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه مردان بر فرسودگی زناشویی همسرانشان را نشان می‌دهد.



شکل ۱: پارامترهای استاندارد در مدل ساختاری

شکل ۱ نشان می‌دهد که مجموع مجذور همبستگی‌های چندگانه (R^2) برای متغیر فرسودگی زناشویی برابر با ۰/۳۳ بدست آمده است، این موضوع بیانگر آن است که سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه مردان در مجموع ۳۳ درصد از واریانس فرسودگی زناشویی همسران آنان را تبیین می‌کند.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج پژوهش نشان داد، طرحواره‌های ناسازگار اولیه مردان اثر سبک‌های دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی آنان بر فرسودگی زناشویی همسرانشان را به صورت مثبت و اثر سبک دلبستگی ایمن بر فرسودگی زناشویی همسر را به صورت منفی و معنادار میانجیگری می‌کند به عبارتی دیگر، نمره کل سبک دلبستگی دوسوگرا و سبک دلبستگی اجتنابی مردان بر فرسودگی زناشویی همسران آنان مثبت و اثر کل سبک دلبستگی ایمن مردان بر فرسودگی زناشویی همسرانشان منفی و معنادار است. نتایج پژوهش مالم و همکاران^۱ (۳۲) نشان دادند سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی رابطه دارد. براساس یافته‌های برندائو و همکاران^۲ (۴۶) با در نظر گرفتن طول مدت رابطه عاطفی، سبک دلبستگی از طریق سرکوب احساسات بر بهزیستی روانی و روابط بین فردی زوجها تاثیر منفی می‌گذارد. همچنین سبک دلبستگی ایمن از طریق برون‌ریزی عاطفی بر بهزیستی روانی تاثیر مثبت می‌گذارد.

این سبک دلبستگی است که به فرد این امکان را می‌دهد که از لحاظ عاطفی، اجتماعی و شناختی به رشد سالمی را تجربه کند و اعتماد و صمیمیت و تعهد در تعاملات را یاد بگیرد و حس ارزشمندی و نگرش مثبت به خود را شکل داده و به خود تنظیمی عاطفی و هیجانی دست پیدا کند؛ بنابراین سبک دلبستگی شکل گرفته در افراد تأثیرگذار بر تمام جوانب زندگی، از جمله روابط عاشقانه بزرگسالی خواهد بود و بنابراین، پیامد ناگوار کاهش تدریجی دلبستگی عاطفی در زوجین، فرسودگی زناشویی است. ویژگی‌های متعدد افراد دارای سبک دلبستگی ایمن مانند مهارت‌های مقابله‌ای موثر و تنظیم هیجانی کارآمد (۱۱)، اعتماد به نفس و توانایی ابراز وجود (۱۴)، توانایی برقراری روابط صمیمی (۱۹)، خودباوری، جستجوی حمایت اجتماعی و توانایی به اشتراک گذاشتن احساسات با دیگران (۱۱) می‌تواند با افزایش مقابله موثر با چالش‌های زناشویی، رضایتمندی زناشویی، استحکام رابطه و ... دلزدگی زناشویی را کاهش دهد. افراد متاهل

^۱ Malm, Oti-Boadi, Adom-Boakye, Andah

^۲ Brandão, Matias, Ferreira, Vieira, Schulz, Matos

دارای سبک دلبستگی ایمن در برقراری روابط صمیمی با همسر خویش راحت تر هستند، به دریافت حمایت از سوی همسر تمایل نشان می‌دهند، تصویری مثبت از خود و همسر خویش دارند و از همسر خود توقعات و انتظارات مثبت دارند. افراد متاهلی که از سبک دلبستگی ایمن برخوردارند، دارای هوش هیجانی بالایی بوده و می‌توانند به مدیریت هیجان‌ها پرداخته و به تصمیم‌گیری‌های مؤثر در زندگی زناشویی دست‌زده و از توان مقابله با تنیدگی‌های زناشویی برخوردارند، در نتیجه به احتمال کمتری دچار دلزدگی زناشویی می‌شوند.

نظریه پردازان تئوری دلبستگی بر این باورند که انتظارات افراد هنگام ورود به روابط عاشقانه، اغلب بر پایه روابط صمیمانه قبلی با مراقبان اولیه بر سبک دلبستگی و نحوه ارتباط با همسر و زندگی زناشویی آنها تاثیر می‌گذارد. افراد با سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا، راهبردهای کاملاً متفاوتی را برای تنظیم عواطف و پردازش اطلاعات هیجانی به کار می‌برند، این حالت هیجانی افراد را در شخصیت‌هایشان می‌توان شناخت (۱۱). سبک دلبستگی روابط فرد از دوران کودکی تا پایان عمر را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بنابراین طبیعی است که فرد به‌عنوان یک همسر نیز همان ویژگی‌ها و شاخص‌ها را داشته باشد و روابط وی با همسر تحت تاثیر سبک دلبستگی‌اش قرار بگیرد. از آنجاکه افرادی با سبک‌های دلبستگی ایمن، اغلب از روابط خود احساس رضایت بیشتری می‌کنند، ارتباط زنده‌تر و خودابراگری صمیمانه‌تری داشته و بالطبع رضایت بیشتری از ارتباطشان دارند، روابط بلندمدت‌تری برقرار می‌کنند و نسبت به دیگران متعهدتر هستند. فرد دارای دلبستگی ایمن احساس می‌کند که ارزشمند بوده و ارزش مراقبت شدن و توجه از سوی دیگری را داراست. بزرگسالان با سبک دلبستگی ایمن تمایل دارند تا روابط رومانتیک‌شان را به‌صورت شاد و مورداعتماد توصیف کنند. آنها قادرند که نسبتاً آسان به دیگران نزدیک شوند و تمایل دارند که در حمایت از شریک زندگی‌شان راحت باشند. شریک‌های زندگی ایمن انتظار دارند که احساسات رومانتیک در جریان یک رابطه فراز و نشیب داشته باشد و راجع به ترک شدن بیش‌ازحد نگران نیستند. شرکای زندگی ایمن گرایش دارند تا تجارب رابطه‌شان را بیشتر به‌صورت مثبت توصیف کنند. با توجه به توضیحات داده‌شده، طبیعی به‌نظر می‌رسد که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن دارای تعهد شخصی بالایی نسبت به همسر خود و ازدواجشان نیز باشند. این افراد بیشتر به حمایت همسرشان اعتماد می‌کنند چون تجربه به آنها نشان داده که همسرشان در موقعیت‌های دشوار آنها را حمایت کرده است. برای افراد دارای سبک دلبستگی ایمن آسان است که با دیگران رابطه نزدیک برقرار کنند، به دیگران تکیه کنند و نیز اجازه دهند که دیگران به آنها تکیه کنند و می‌توانند به طور کامل به دیگران اعتماد کنند. زوجین با سبک دلبستگی ایمن در اکثر موقعیت‌ها، احساس راحتی و امنیت می‌کنند و تجسمی مثبت، حمایتگر و پاسخ‌دهنده از همسر خود دارند. اعتماد افراد ایمن به دیگران که جزء مکمل اعتماد به خود هستند و نسبت به سرانجام عمل خود امیدوارترند و خونگرمی و صمیمیت بیشتری نشان می‌دهند که این ویژگی‌ها، رضایت مندی آن‌ها را از روابط با همسرشان افزایش می‌دهد که موجب کاهش فرسودگی زناشویی می‌گردد.

در خصوص پیش‌بینی فرسودگی زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی ناایمن می‌توان گفت که فقدان اعتماد به خود و دیگران، دو مشخصه اصلی افراد ناایمن است. فقدان اعتماد به خود در مواجهه با موقعیت‌های تنیدگی‌زا، درماندگی روانشناختی را به فرد ناایمن تحمیل می‌کند و این حالت به احساس حقارت و اضطراب شخص دامن می‌زند. فقدان اعتماد به دیگران منجر به ایجاد فاصله و دوری و عدم حمایت از سوی دیگران می‌شود. از سوی دیگر، چسبندگی و کناره‌گیری لفراطی و عکس‌العمل‌های هیجانی در مواقع ناکامی و بحرانی که از خصایص افراد با سبک دلبستگی ناایمن می‌باشد، درچارچوب روابط سیستمی می‌تواند سلب تعارض و خصومت در روابط زوجین گردد. این ویژگی‌ها و احساس ناایمنی در وجود آنها موجب می‌گردد که آنان احساس نارضایتی بیشتری در زندگی زناشویی خود داشته باشند. با توجه به اینکه افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن، در به اشتراک گذاشتن افکار و احساسات با دیگران ناتوانند، در واقع می‌توان گفت روابط فرد ناایمن با همسر داری ثبات نمی‌باشد که این خصلت دلخوری و عدم اعتماد زوجین را به

دنبال دارد و منجر به تیره و تار شدن رابطه، کاهش ارتباطات ضعیف، عدم بخشش، صمیمیت پایین، افزایش تعارضات زناشویی و در نتیجه افزایش فرسودگی زناشویی می گردد (۳۰).

از آنجایی که یک کودک با سبک دلبستگی اجتنابی به علت پذیرفته نشدن مکرر درخواست هایش از سوی مادر دچار درماندگی خودآموخته می شود و از ارتباط با همسالانش و دیگر افراد اجتناب می کند، چنین کودکی در بزرگسالی صمیمیت را بی ارزش می داند و قادر به اعتماد کردن به شریک عاطفی و جنسی نیست. بنابراین با چنین زمینه تفکر و باوری در ارتباط متقابل دچار مشکل می شود. افراد دارای این سبک از اینکه به دیگران نزدیک شوند احساس ناراحتی کرده و نمی توانند به طور کامل به دیگران اعتماد کنند. برای این افراد مشکل است که به دیگران تکیه کنند و وقتی می بینند که کسی می خواهد خیلی به آنها نزدیک شود عصبی شده و احساس می کنند که دیگران اغلب بیشتر از حدی که آنان احساس راحتی دارند با آنها صمیمی هستند. با توجه به پیشینه می توان نتیجه گرفت که همسر با سبک دلبستگی اجتنابی به دنبال برقراری ارتباط با دیگران نیست و تلاشی هم در این زمینه نمی کند، به همسرش بی اعتماد است و تلاش های او را برای صمیمی تر شدن رد می کند. او خواهان تنهایی بیشتر و آزادی بیشتر است؛ بنابراین در رابطه زناشویی از رضایت کافی بهره نمی برند (۱۲).

از دیدگاه عصب پژوهی رابطه بین سبک دلبستگی با فرسودگی زناشویی را می توان اینگونه تبیین کرد: سبک های دلبستگی با فعال شدن یک شبکه زیر قشری (آمیگدال، هیپوکامپ، مخطط) و نواحی لیمبیک قشر (اینسولا، سینگولیت) همراه است. یافته های نوین عصب پژوهی نشان می دهند آمیگدال (به عنوان مهم ترین بخش مدار بندی ترس در مغز) طوری تحول یافته تا تداعی های منفی را به صورت پایدار ذخیره کند. دلبستگی ناایمن رابطه مستقیمی با آمیگدال، ترس، تجارب منفی و بدتنظیمی هیجانی ناشی از روابط صمیمی دارد (۳۱). بنابراین در افرادی با دلبستگی ناایمن، تمایل به صمیمیت با پیام خطر از سوی آمیگدال مواجه شده، برانگیختگی آمیگدال در هنگام صمیمیت باعث واکنش های دفاعی، جنگ و گریز می شود. از این رو، کیفیت روابط صمیمی در افراد با سبک دلبستگی ناایمن پایین بوده و می تواند مشکلات زناشویی و فرسودگی زناشویی را تقویت کند.

همچنین نتایج نشان داد، طرحواره های ناسازگار اولیه مردان نیز بر فرسودگی زناشویی همسران مثبت و معنادار بود و اثر غیر مستقیم سبک دلبستگی دوسوگرا و دلبستگی اجتنابی مردان بر فرسودگی زناشویی همسران مثبت و اثر غیر مستقیم سبک دلبستگی ایمن آنان بر فرسودگی زناشویی همسرانشان منفی و معنادار است.

یافته های پژوهش حاضر مبنی بر نقش سبک های دلبستگی و طرحواره های ناسازگار اولیه با فرسودگی زناشویی زوجین با پژوهش های متعدد همخوانی داشت. عدل پرور و همکاران (۳۰) برازش مدل ساختاری مناسب برای پیش بینی تعارضات زناشویی براساس سبک های دلبستگی و با نقش واسطه ای طرحواره های بریدگی / طرد و خودگردانی/ عملکرد مختل در زنان در آستانه طلاق را تایید کردند که با پژوهش حاضر همخوان است.

همسو با یافته های پژوهش حاضر افشاری، موتابی و پناغی (۳۱) نیز نقش واسطه ای طرحواره های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک های دلبستگی و رضایت زناشویی را مورد تایید قرار دادند. همسو با یافته های پژوهش حاضر پژوهشگران دیگر مالم و همکاران (۳۲) و برنداو و همکاران (۴۶) رابطه بین سبک دلبستگی با فرسودگی زناشویی را تایید کردند. همچنین یافته های پژوهش حاضر مبنی بر رابطه طرحواره های ناسازگار اولیه و فرسودگی زناشویی با یافته های پژوهشی دیگر همخوانی دارد.

از سویی دیگر، یکی از خصوصیات اصلی افراد دارای سبک دلبستگی دوسوگرا این است که آنها به جای پرداختن به نیازهای همسر، بر نگرانی های شخصی خودشان تمرکز می کنند و این هر دو مورد (بی توجهی به نیازهای همسر و تمرکز بر افکار پریشان کننده خود) می تواند منجر به تعارض های اساسی در روابط مشترک شود. افراد دوسوگرا عموماً وابسته، و در روابط از نظر هیجانی بی ثبات، و در روابط

رمانتیک و عاشقانه حسود هستند. بدیهی است افراط در این سبک دلبستگی به راحتی می‌تواند عشق و صمیمیت را متزلزل کنند. افراد دوسوگرا در هنگام تعارض، افراد مقابل را مورد توهین و تحقیر قرار می‌دهند. این درحالی است که افراد با سبک دلبستگی اجتنابی تصور می‌کنند که در هنگام تنش نباید بر حمایت فرد دیگری متکی باشند و بر این باورند که بهترین شیوه رسیدن به ایمنی خاطر، تکیه کردن بر شخص خودشان و فاصله گرفتن از عنصر دلبستگی‌شان است. این افراد به دلیل تمرکز بسیار آنها بر استقلال‌طلبی، خوداتکایی و اهداف اعتباردهنده به خود و بی‌توجهی به تقویت رابطه مشترک، پیامدهای منفی بسیاری متوجه رابطه زناشویی آنها می‌شود و در نتیجه به احتمال بیشتری دچار فرسودگی زناشویی می‌شوند (۲۴).

همچنین افراد دارای سبک دلبستگی دوسوگرا با ویژگی‌هایی چون اضطراب بالا، عزت نفس پایین، غیرقابل اعتماد دانستن دیگران، مقابله ناکارآمد، آزدگی بیش‌ازحد و آسیب‌پذیری بالا در برابر مشکلات عاطفی و اجتماعی (۱۱) حساسیت زیادی نسبت به طرد شدن دارند. افراد مضطرب دوسوگرا برخلاف افراد اجتنابی برای تأمین حس خودارزشمندی به دیگران بسیار وابسته‌اند، در نتیجه ممکن است نیاز به کنترل و چسبندگی دائمی به همسرشان داشته باشند که با سلب آزادی و خودمختاری طرف مقابل (۳، ۱۲) باعث افزایش نارضایتی و فرسودگی زناشویی می‌شود. همچنین، افراد متاهل دارای سبک دلبستگی دوسوگرا خود را به عنوان افرادی که به درستی از جانب همسر درک نشده و دارای کمبود اعتماد به نفس هستند، در نظر می‌گیرند و از این امر که همسرشان، آنها را ترک کرده یا به طور واقعی دوست نداشته باشند، احساس نگرانی می‌کنند که به تدریج موجب افزایش تعارضات و فرسودگی زناشویی می‌گردد.

یک کودک ناایمن دوسوگرا در دوران کودکی نسبت به برقراری ارتباط با دیگران بی‌اعتماد است و در عین حال خواهان روابط با همسالان است. تلاش می‌کند خود را با دیگران وفق دهد و در همین حال ممکن است به سرعت با دیگر همسالانش دچار اختلاف شود. این دسته از کودکان دائم دیگران را طرد می‌کنند، زود عصبانی می‌شوند، دائم احساس بی‌اعتمادی می‌کنند. چنین کودکانی در بزرگسالی همسرانی می‌شوند که بیش‌از اندازه خواهان رابطه و صمیمیت هستند و وقتی همسرشان به قصد برآورده شدن این نیاز نزدیک می‌شود، عصبانی می‌شوند و اجازه نزدیک شدن به وی نمی‌دهند. آنها درحالی که خواهان صمیمیت هستند، از آن فرار می‌کنند و به طور دقیق نمی‌دانند که چقدر می‌خواهند با همسرشان نزدیک و با وی صمیمی شوند. بیشتر زوج‌هایی که برای طلاق به دادگاه مراجعه می‌کنند دارای سبک دلبستگی ناایمن هستند، وقتی کسی به آنها نزدیک می‌شود، به سرعت احساس بی‌اعتمادی می‌کنند و این بی‌اعتمادی بر زندگی زناشویی آنها تأثیر می‌گذارد. معمولاً همسران مضطرب دوسوگرا توقعات زیادی دارند، بسیار حساس و زودرنج هستند و معمولاً از بی‌توجهی همسرشان شکایت دارند. افراد دارای این سبک کسانی هستند که احساس می‌کنند دیگران مایل نیستند آنقدر که آنها دوست دارند با آنان رابطه نزدیک داشته باشند. آنها اغلب نگران هستند که همسرشان واقعاً آنها را دوست نداشته باشد. آنها مایلند که با بعضی افراد کاملاً یکی شوند ولی این خواسته بعضی اوقات باعث ناراحتی و دوری مردم از آنها می‌شود (۱۶، ۱۷).

در زمینه رابطه معنادار بین سبک دلبستگی دوسوگرا و فرسودگی زناشویی و عدم رابطه دلبستگی اجتنابی با فرسودگی در زنان (۱۱) به این موضوع اشاره می‌کنند که بعد اضطراب در رابطه ۱ (یعنی ویژگی افراد دلبسته دوسوگرا) نقش مهم‌تری در رضایت یا فرسودگی زناشویی دارد. همچنین در تبیین عدم رابطه معنادار دلبستگی اجتنابی با فرسودگی زناشویی می‌توان نادیده گرفتن سبک دلبستگی همسران را مطرح کرد. چراکه به باور پژوهشگران، دلبستگی همسران نیز رابطه نزدیکی با اجتناب/اضطراب دیگری و حتی میزان رضایت یا فرسودگی زناشویی آنها دارد.

محدودیت‌های پژوهش: نتایج پژوهش حاضر نمونه زوج‌های مراجعه‌کننده به کلینیک‌های روانشناسی و مشاوره منطقه شش و هفت شهر تهران است، بنابراین تعمیم یافته‌های پژوهش حاضر به افراد دیگر محدودیت دارد، به دلیل اینکه روش نمونه‌گیری در

^۱ anxiety over relationship

پژوهش حاضر، روش هدفمند بود تعمیم نتایج باید با احتیاط انجام شود. عدم مصاحبه پژوهشگر با برخی از آزمودنی‌ها و عدم دسترسی به پرونده ثبت‌شده از سوی دیگر همکاران، به دلیل محدودیت‌های ناشی از کدهای اخلاق در ارتباط با نگهداری سوابق مراجعین از محدودیت‌های پژوهش حاضر به‌شمار می‌آید و در نظر نگرفتن اثر عوامل تاثیرگذار از جمله سن، جنسیت، وضعیت اقتصادی و تحصیلات بر مدل پژوهشی که می‌تواند با تاثیر بر روی نتایج موجب کاهش اعتبار آنها شده باشد، از محدودیت‌های پژوهش حاضر به‌شمار می‌آید. **کاربرد پژوهش:** پیشنهاد می‌شود پژوهشی مشابه پژوهش حاضر در شهرها و جامعه آماری دیگر برای فراهم ساختن شواهد تجربی بیشتر و دقیق‌تر انجام شود، همچنین، مدل پژوهشی حاضر با ابزارهای غیرخودگزارشی مانند مصاحبه، مشاهده بررسی شود. برای بررسی نقش عوامل فرهنگی، اجتماعی بر فرسودگی زناشویی از پژوهش‌های کیفی نیز استفاده شود؛ بدین ترتیب امکان بررسی دقیق‌تر عوامل تاثیرگذار بر فرسودگی زناشویی و تعامل آنها با سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار فراهم می‌شود و در پژوهش‌های آتی متغیر طول مدت ازدواج نیز به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده در رابطه بین سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار و فرسودگی زناشویی بررسی شود.

ملاحظات اخلاقی: پژوهش حاضر برگرفته از پایان نامه دکتری تخصصی رشته روانشناسی نویسنده اول است و در شورای تخصصی پژوهش با کد اخلاق IR.IAU.K.REC.1400.070 از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به تأیید رسیده است. پژوهشگران این مطالعه بر خود لازم می‌دانند، از کلیه شرکت کنندگان که در این پژوهش ما را یاری دادند و امکان انجام مطالعه را فراهم کردند، تشکر کنند. **تضاد منافع:** در این پژوهش هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد و سهم نویسندگان به ترتیب اسامی آنها در مقاله ذکر شده است.

References

1. Lebow J, Snyder DK. Couple therapy in the 2020s: Current status and emerging developments. *Fam Process*. 2022 Dec;61(4):1359-1385. doi: [10.1111/famp.12824](https://doi.org/10.1111/famp.12824). Epub 2022 Sep 29. PMID: 36175119; PMCID: PMC10087549.
2. Schofield MJ, Mumford N, Jurkovic D, Jurkovic I, Bickerdike A. Short and long-term effectiveness of couple counselling: a study protocol. *BMC Public Health*. 2012 Sep 3; 12:735. doi: [10.1186/1471-2458-12-735](https://doi.org/10.1186/1471-2458-12-735). PMID: 22943742; PMCID: PMC3490822.
3. Khalifian C, Rashkovsky K, Mitchell E, Bismark A, Wagner AC, Knopp KC. A novel framework for ketamine-assisted couple therapy. *Front Psychiatry*. 2024 Aug 13; 15:1376646. doi: [10.3389/fpsyt.2024.1376646](https://doi.org/10.3389/fpsyt.2024.1376646). PMID: 39193577; PMCID: PMC11347343.
4. Taurogiński B, Janusz B, Bergmann JR, Peräkylä A. Spectrum of complaints: practices of complaining in therapeutic conversations as a window to spouses' personalities and couples' relationships. *Front Psychol*. 2023 Nov 23; 14:1232594. doi: [10.3389/fpsyg.2023.1232594](https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1232594). PMID: 38078241; PMCID: PMC10701902.
5. Salimi C, Kachooei M, Dadashi M, Farahani H. Effects of integrative behavioral couple therapy on communication patterns and marital adjustment. *J Educ Health Promot*. 2024 Jul 29; 13:276. doi: [10.4103/jehp.jehp_201_23](https://doi.org/10.4103/jehp.jehp_201_23). PMID: 39309993; PMCID: PMC11414875.
6. Snelligen JF, Carlin PE, Vetere A. Is It Safe Enough? An IPA Study of How Couple Therapists Make Sense of Their Decision to Either Stop or Continue with Couple Therapy When Violence Becomes the Issue. *Behav Sci (Basel)*. 2024 Jan 5; 14(1):37. doi: [10.3390/bs14010037](https://doi.org/10.3390/bs14010037). PMID: 38247689; PMCID: PMC10813270.

7. Zahedi H, Alizadeh-Dibazari Z, Mirghafourvand M, Sahebihagh MH, Hosseinzadeh M. The effectiveness of couple-based interventions on the marital outcomes of women with genital and breast cancer and their partners: a systematic review and meta-analysis. *BMC Cancer*. 2024 Mar 27; 24(1):391. doi: [10.1186/s12885-024-12088-x](https://doi.org/10.1186/s12885-024-12088-x). PMID: 38539118; PMCID: [PMC10976738](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/PMC10976738/).
8. Haase CM. Emotion Regulation in Couples across Adulthood. *Annu Rev Dev Psychol*. 2023 Dec; 5(1): 399-421. doi: [10.1146/annurev-devpsych-120621-043836](https://doi.org/10.1146/annurev-devpsych-120621-043836). PMID: 38939362; PMCID: [PMC11210602](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/PMC11210602/).
9. Delghandi B, Namani E. Comparing the effectiveness of structural family therapy and mindfulness-based family therapy in cohesion and adaptability in couples with marital dissatisfaction. *Heliyon*. 2024 Feb 7; 10(4): e24827. doi: [10.1016/j.heliyon.2024.e24827](https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e24827). PMID: 38404907; PMCID: [PMC10884341](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/PMC10884341/).
10. Meng TJ, Qian Y, Wang YL, Gao BL, Liu JJ, Yue JL, Tang DH. The effect of systematic couple group therapy on families with depressed juveniles: a pilot trial. *Front Psychiatry*. 2024 May 28; 15:1283519. doi: [10.3389/fpsy.2024.1283519](https://doi.org/10.3389/fpsy.2024.1283519). PMID: 38863609; PMCID: [PMC11165141](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/PMC11165141/).
11. Morland LA, Perivoliotis D, Wachsman TR, Alam A, Knopp K, Khalifian C, Ramanathan D, Chargin BE, Bismark AW, Glynn S, Stauffer C, Wagner AC. MDMA-assisted brief cognitive behavioral conjoint therapy for PTSD: Study protocol for a pilot study. *Contemp Clin Trials Commun*. 2024 May 24; 40:101314. doi: [10.1016/j.conctc.2024.101314](https://doi.org/10.1016/j.conctc.2024.101314). PMID: 38994348; PMCID: [PMC11237689](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/PMC11237689/).
12. Kurbatfinski S, Woo J, Ntanda H, Giesbrecht G, Letourneau N. Perinatal Predictors and Mediators of Attachment Patterns in Preschool Children: Exploration of Children's Contributions in Interactions with Mothers. *Children (Basel)*. 2024 Aug 21; 11(8):1022. doi: [10.3390/children11081022](https://doi.org/10.3390/children11081022). PMID: 39201958; PMCID: [PMC11352242](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/PMC11352242/).
13. Santaguida E, Bergamasco M. A perspective-based analysis of attachment from prenatal period to second year postnatal life. *Front Psychol*. 2024 May 22; 15:1296242. doi: [10.3389/fpsyg.2024.1296242](https://doi.org/10.3389/fpsyg.2024.1296242). PMID: 38840732; PMCID: [PMC11150629](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/PMC11150629/).
14. Parsons JD, Cocker CR, East AK, Wheatley RM, Ramachandran VK, Kaschani F, Kaiser M, Poole PS. Factors governing attachment of *Rhizobium leguminosarum* to legume roots at acid, neutral, and alkaline pHs. *M Systems*. 2024 Sep 17; 9(9): e0042224. doi: [10.1128/msystems.00422-24](https://doi.org/10.1128/msystems.00422-24). Epub 2024 Aug 21. PMID: 39166858; PMCID: [PMC11406972](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/PMC11406972/).
15. Peng C, Liu Y, Zhou Y, Zhang Z. Relationship Between Father-Child Attachment and Adolescents' Anxiety: The Bidirectional Chain Mediating Roles of Neuroticism and Peer Attachment. *Psychol Res Behav Manag*. 2024 Aug 8; 17:2971-2985. doi: [10.2147/PRBM.S467290](https://doi.org/10.2147/PRBM.S467290). PMID: 39139850; PMCID: [PMC11319102](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/PMC11319102/).
16. Pan T, Chen D, Yu Z, Liu Q, Chen Y, Zhang A, Kong F. Analysis of current situation and influencing factors of marital adjustment in patients with Crohn's disease and their spouses. *Medicine (Baltimore)*. 2024 Mar 15; 103(11): e37527. doi: [10.1097/MD.00000000000037527](https://doi.org/10.1097/MD.00000000000037527). PMID: 38489689; PMCID: [PMC10939668](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/PMC10939668/).
17. Makhanova A, McNulty JK, Eckel LA, Nikonova L, Bartz JA, Hammock EAD. CD38 is associated with bonding-relevant cognitions and relationship satisfaction over the first

- 3 years of marriage. Sci Rep. 2021 Feb 3; 11(1): 2965. [doi: 10.1038/s41598-021-82307-z](https://doi.org/10.1038/s41598-021-82307-z). [PMID: 33536489](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/33536489/); [PMCID: PMC7859203](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/PMC7859203/).
18. Sarkhabi Abdolmaleki M., Dokanei Fard F, Behbodi M. Providing a Model for Predicting Couples' Emotional Divorce Based on Metacognitive Beliefs and Emotional Regulation Strategies Mediated by Marital Burnout in Married Women. Journal of Applied Family Therapy, 2021; 2(2): 1-28. [doi: 10.22034/aftj.2021.276753.1059](https://doi.org/10.22034/aftj.2021.276753.1059).
 19. Karimi P., Karami J., Dehghan F. Relationship between Attachment Styles and Conflict Resolution Styles and Married Employees' Marital Burnout. Quarterly Journal of Women and Society, 2015; 5(20): 53-70. https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_686.html.
 20. Garavand H. The Mediating Role of Early Maladaptive Schemas in the Relationship Between Attachment Styles with Corona Anxiety. Applied Psychology, 2022; 16(1): 181-161. [doi: 10.52547/apsy.2021.223946.1165](https://doi.org/10.52547/apsy.2021.223946.1165).
 21. Ebrahimi Z., Makvand Hoseini S., Tabatabaee SM. Prediction of Generalized Anxiety Disorder based on Attachment Styles by Mediating Early Maladaptive Schemas in Adolescents. Psychological Achievements, 2023; 30(2): 121-138. [doi: 10.22055/psy2022.38248.2731](https://doi.org/10.22055/psy2022.38248.2731).
 22. Rahiman R., Qamari M., Babakhani V., Jafari A. Modeling the structural relationship between personality dimensions and attachment styles with communication skills and marital conflicts with the mediation of primary maladaptive schemas in couples facing divorce, Journal of Applied Family Therapy. 2023; 4(5):251-265. [doi: 10.22034/aftj.2023.393484.2014](https://doi.org/10.22034/aftj.2023.393484.2014).
 23. Fan Z, Wu H, Tao M, Chen L. Relationship between Chinese middle-aged and old couples' Confucian coping thinking and marital quality. Front Public Health. 2022 Sep 23; 10:956214. [doi: 10.3389/fpubh.2022.956214](https://doi.org/10.3389/fpubh.2022.956214). [PMID: 36211692](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/36211692/); [PMCID: PMC9537638](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/PMC9537638/).
 24. BaCh B, Lockwood G, Young JE. A new look at the schema therapy model: organization and role of early maladaptive schemas. Cognitive behavior therapy. 2018; 47(4): 328-349. <https://doi.org/10.1080/16506073.2017.141056>.
 25. Ghiasi M, Molavi M, Neshatdost H, Salavati M. The Factor Structure of the Farsi Version of Young Schema Questionnaire-S3 in Two Groups in Tehran, Psychological Achievement. 2011; 18(1): 93-118. https://psychac.scu.ac.ir/article_11692.html.
 26. Collins NL, Read SJ. Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. Journal of Personality and Social Psychology. 1990; 58(4): 644-663. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.58.4.644>.
 27. Pakdaman M, Karashki H. Inquiry of dysfunctional motivational beliefs based on data foundation theory. Journal of Psychological Science, 2021; 20(108): 2343-2358. [doi:10.52547/JPS.20.108.2343](https://doi.org/10.52547/JPS.20.108.2343).
 28. Pines AM, Nunes R. The relationship between career& couple burnout: Implications for career & couple counseling. Journal of Employment Counseling. 2003; 740(2), 50-64.
 29. Rakhshany P, Shahabizadeh F, Alizadeh HA. Model of Couple Burnout about the Multi-Dimensional Pattern of Connection with God and Thought and Language Controls. Studies in Islam and Psychology, 2016; 10(19): 7-30. [doi: 10.30471/psy2016.1081](https://doi.org/10.30471/psy2016.1081).

30. Adlparvar E, Safaeirad I, Erfani N, Jadidi H. Development of a Causal Model of Marital Conflict based on Attachment Styles with the Mediating Role of Disconnection/Rejection and Impaired Autonomy/Performance Schemas in Women on the Verge of Divorce. *Journal of Applied Family Therapy*, 2021; 2(2): 173-189. [doi: 10.22034/aftj.2021.290623.1115](https://doi.org/10.22034/aftj.2021.290623.1115).
31. Afshari Z, Mootabi F, Panaghi L. The mediating role of early maladaptive schemas in the relationship between attachment styles and marital satisfaction. *Iranian Journal of Family Psychology*. 2021; 2(1): 59-70. https://www.ijfpjournal.ir/article_245505.html?lang=en.
32. Malm EK, Oti-Boadi M, Adom-Boakye NA, Andah A. Marital Satisfaction and Dissatisfaction among Ghanaians. *Journal of Family*. 2022. 44(1): 14-17. <https://doi.org/10.1177/0192513X221126752>.
33. Brandão T, Matias M, Ferreira T, Vieira J, Schulz MS, Matos PM. Attachment, emotion regulation, and well-being in couples: Intrapersonal and interpersonal associations. *J Pers*. 2020 Aug; 88(4):748-761. [doi: 10.1111/jopy.12523](https://doi.org/10.1111/jopy.12523). Epub 2019 Nov 15. PMID: 31674659; PMCID: PMC7383855.